



# RahaiZan.Org

## سازمان رهائی زن

The Organization for Emancipation of Women

نشریه ماهانه:

3rd. Series, Issue 109

سری سوم، شماره ۱۰۹

January 2023

دی / بهمن ۱۴۰۱

سرپرست: مینو، همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati  
E\_mail: minohemati@gmail.com

مدیرمسئول: شراره رضایی

Managing editor: Sharareh Rezaei  
E\_mail: shararehrezaei.p@gmail.com



RahaiZan

### مطالب

انقلاب زنان ایران در سایه خشونت های حکومتی  
مریم مرادی

”خشونت سازمان یافته علیه زنان“ برنامه ای برای اقدام مشترک تشکلهای مستقل زنان نقش دستگاه مذهب و نقش حکومت مردسالار پاسخ به دو موضوع فوق از جانب فعالین حقوق زنان بمناسبت روز جهانی منع خشونت به زنان:

مینو همتی، شراره رضایی، دیانا نامی، ویدا ساغری، نوری شریفی و سحر صامت

زندگی سالها در کمپهای پناهندگی نروژ  
فریبا رشیدی

سوگوران مبارز شعر از: نوری شریفی

بررسی چهار دهه خشونت سازمان یافته علیه زنان با  
یاسمین میظر

گزارشی از تجمع اعتراضی در حمایت از اعتراضات مردم ایران در بلژیک  
گزارش از: امیرحسین باریکرو

سکوت شعر از: نوری شریفی

آیا زنان بلوچ به جنبش زنانه نیاز دارند؟  
منبع: اینستگرام جوانان انقلابی محلات مریوان

### ♦ ستون آزاد نیمرخ:

- زنان افغانستان زندگی می‌خواهند، مقام‌های غربی زنده ماندن
- مبارزه برای تحقق رویاها؛ طالبان نمی‌تواند مانع علاقه‌ی تحصیل زنان افغانستان شود ”حق تحصیل زنان“
- زنانی که خواستار سرنگونی طالبان هستند

### ♦ ستون ویژه خبر

معرفی سایت های برنامه های تلویزیونی، آرشیو نشریه، راه ها و شماره تماس با ما

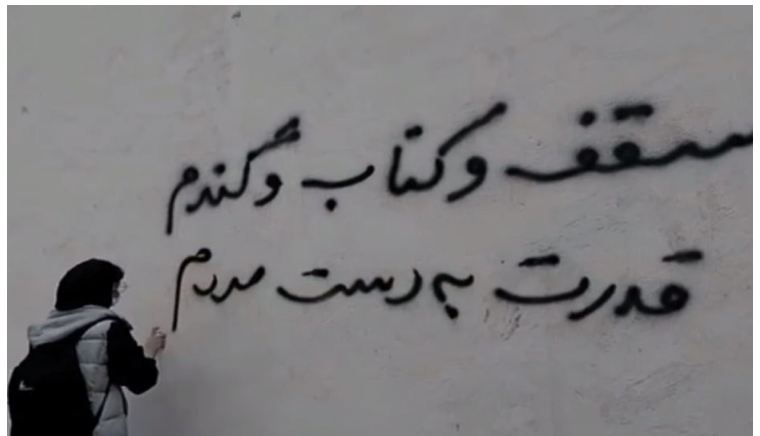
## انقلاب ژینا “#مسا\_ایمی” با شعار “#زن\_زندگی،\_آزادی” به ارتجاع شاه و شیخ تن نمی دهد، همانطور که در

## #انقلاب ۵۷ زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب فریاد زدند:

### ما انقلاب نکردیم تا به عقب

### برگردیم

### علیه هر نوع ارتجاع و ولپسگرایی



توجه: نظر به اهمیت حمایت و همبستگی با فعالین جنبش رهائی زنان در افغانستان و در این برهه حساس تاریخی که حاکمیت ارتجاع اسلامی بر زندگی و مبارزه زنان در راه رهائی سایه افکنده است و بسیاری رسانه ها بطور دائم و یا موقت قادر به انتشار نیستند. بر آن شدیم که صفحات ستون آزاد ماهنامه رهائی زن را به رسانه نیمرخ اختصاص دهیم و میزبان نویسندگان نیمرخ باشیم تا مخاطبین آن نشریه در این دوران انتقالی از مطالب مورد علاقه خود محروم نباشند. با توجه به برد وسیع ماهنامه رهائی زن در ایران و افغانستان و سایر نقاط جهان، امیدواریم بتوانیم پژواک صدای زنان افغانستان و نوری از امید در این دوران تاریک باشیم. به امید روزهای بهتر



مینو، همتی

به نشریه رهائی زن ببینید

برای نشریه رهائی زن مطلب و مقالات ”اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان...“، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را می توانید به آدرس ایمیل زیر ارسال کنید.  
Markazi@RahaiZan.org

انقلاب زنان ایران در سایه خشونت های حکومتی

مریم مرادی



یکی دیگر از ابزارهای مهم خشونت علیه زنان و دختران است که توسط این حکومت زن سنیز و کودک کش ، اعمال میشود. قتل زنان معترض، ضرب و شتم در خیابانها به هر بهانه‌ای ، ضرب و شتم در زندانها بخشی از این خشونت آشکار علیه زنان و دخترانی است که در جنبش اخیر همواره از آن استفاده شده است .

طبق ویدئوهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی، تصاویری از تعرض ماموران سرکوب حکومتی به زنان معترض را نشان میدهد. از نمونه‌های دیگر این تعرضات جنسی ، فحاشی نیروهای سرکوبگر و به کار بردن الفاظ رکیک جنسی به زنان معترض را نیز میتوان نام برد.

نمونه دیگری از اعمال خشونت‌های حکومتی، مجبور کردن زنان معترض به "اعترافات اجباری" است. استفاده از اعتراف اجباری از شیوه‌های قدیمی جمهوری اسلامی بوده است و آنچه در این جنبش می‌توان به آن اشاره کرد متوسل شدن به خشونت علیه زنان ، به ویژه به مادران برای گرفتن "اعترافات اجباری" است. البته اعترافات اجباری برای هیچ کس باور نیست، اما مساله جنبه خشونت حکومتی است که به ویژه علیه مادران داغدار به کار میرود تا قتل فرزندان خود را انکار کنند.

ایجاد رعب و وحشت برای ترک اعتراضات دختران نوجوان دبیرستانی که توسط نیروهای امنیتی در مدارس انجام شده است که دختران را دستگیر کرده و یا زندان میکنند و حتی مورد بازجویی‌های غیر عادلانه قرار میدهند مصداق دیگری از اعمال خشونت علیه زنان و دختران محسوب میشود. ویدئوهای منتشر شده همچنین نشان می‌دهد که ون‌های نیروهای امنیتی برای سرکوب دختران وارد دبیرستان شده‌اند تا خانواده‌ها و دانش‌آموزان دختر را تحت فشار قرار دهند. آزار و اذیت دختران دبیرستانی در خیابانها یا مورد تعرض قرار دادن از نمونه‌های دیگر خشونت‌های حکومتی علیه دخترانی است که هنوز به سن ۱۸ سال نرسیده‌اند و از لحاظ قوانین بین‌المللی کودک محسوب می‌شوند.

جنبشی که در ایران با اعتراض به قتل حکومتی "مهسا امینی" آغاز شد همچون آتش زیر خاکستری است که پس از چهل و چهار سال ظلم به زنان و دختران ایرانی زبانه کشید و اکنون به یک خشم جهانی تبدیل شده است که دامنه ی اعتراضات آن روز به روز گسترده تر میشود.

زنان نیمی از جامعه ی .. ادامه در ص ۸

تبدیل شد. حکومتی که همیشه تلاش کرده بود زنان را با سرکوب، فشارهای امنیتی، زندانی و شکنجه کردن از میدان خارج کند، این بار از عهده چنین کاری بر نیامد و راه استفاده حداکثری از اعمال خشونت را برای سرکوب این عاملیت به کار گرفت. مهمترین پیام جنبش "زن، زندگی ، آزادی" این بود که خلاف جنبش‌های گذشته این بار زنان "عامل تغییر" شدند و این عامل بعنوان یک نیروی پایدار باقی ماند و دچار دوگانگی، تزلزل و تاثیر پذیری در مبارزات نشد و توانست در چند دوره به صورت مشخص برای تغییر باقی بماند.

علاوه بر عاملیت سیاسی زنان در جنبش "زن، زندگی، آزادی" ، باید به نقش زنان و مردان در این جنبش نیز اشاره کرد. مساله حضور زنان با مردان در یک جنبش، در دهه‌های مختلف در ایران متفاوت بوده است. اعتراض به حجاب اجباری زنان پس از انقلاب 57 به دلیل عدم حمایت مردان بود که نهایتاً به نتیجه نرسید. امروز با آمدن نسل‌های جدید، جایگاه زن و مرد در جنبش های اجتماعی تغییر یافت. حکومت اسلامی که همیشه تلاش کرده بود مردان را مقابل زنان قرار دهد این بار خلاف آن شده بود. زنان و مردان در این جنبش همراه شدند و این تغییر ساختاری موجب اتحاد و همبستگی آنان شد تا با هم در مقابل حکومت بایستند. حمایت زنان و مردان از یکدیگر در این ساختار مبارزه سیاسی و تغییر الگوی سنتی، نیروهای سرکوب گر را بر آن داشت تا خشونت بیشتری را برای سرکوب معترضان به کار گیرند.

امروزه دختران و زنان نوجوان با دسترسی به تکنولوژی و فضای مجازی توانستند با حضور مستمر خود سهم مهمی در این مبارزات ایفا کنند. با آنکه خشونت علیه زنان و دختران توسط حکومت مستبد اسلامی در سال‌های اخیر همواره جاری بوده است اما با انتشار آنها در فضای مجازی، فشار بیشتری به نیروهای سرکوبگر وارد شد. یکی از روشهای این حکومت جنایت کار همواره تجاوز به زنان و دختران بود که همیشه برای حذف فیزیکی آنان استفاده میکرد و میکند. در اعتراضات اخیر هم بسیاری از زنان ، زندانی، دستگیر، شکنجه و آزار جنسی شده‌اند. شدت اعمال و تعدد خشونت‌های جنسی علیه زنان بیشتر از گذشته نیز بوده است. استفاده از خشونت شدید علیه زنان، یعنی "خشونت آشکار"

قتل حکومتی "ژینا (مهسا) امینی" از همان ابتدا دارای جنبه های موثری بود که توانست با سرعت فراوان نیروهای انقلابی بالقوه را با خود همراه کند. به یقین میتوان اذعان داشت که اعتراضات برآمده از گذشته شدن "مهسا امینی" تاثیر بسزایی در شکل گیری این انقلاب داشت چرا که اساساً قتل او پیام آشکاری به جامعه بیدار داده بود: نخست موضوع "زن" بودن او بود که مستقیماً بر مفهوم جنسیت تاکید می کرد، دوم شکنجه‌ی جسمانی که نشان از سرکوب "آزادی زنان" در جامعه کنونی ایران است و نکته سوم مساله حجاب است که یادآور "بدن های انکار شده" توسط حکومت مستبد اسلامی بود.

در طول تاریخ زنان ایران همواره کوشیده اند تا بتوانند در مبارزات سیاسی سهمی تاثیر گذار داشته باشند اگر چه این تلاش از همان روزهای نخست انقلاب ۱۳۵۷ آغاز شده بود اما هیچ گاه نتوانسته بود تماماً به ثمر برسد. هرچند که جنبش زنان در ایران دستاوردهایی نیز به همراه داشته است، اما محوریت زن به معنای عامل تغییر دهنده سیاسی در نظام جمهوری اسلامی همواره کوتاه مدت بوده است. بعد از انقلاب 57 حکومت به سرعت و با سرکوب فراوان توانسته بود زنان را از تمام عرصه های عمومی به عقب براند و یا حذف کند. حکومت با اعمال تفکیک های جنسیتی در دانشگاهها، مدارس، ادارات ، وسایل حمل و نقل عمومی و ..... و ممنوعیت ورود به استادیوم های ورزشی چهره جامعه را تماماً مردانه کرد. در حقیقت با این ایدئولوژی زن سنیز انه و ضد انسانی جامعه بسویی رفت تا بدن زنان تماماً انکار و سرکوب شود.

اما اساسی ترین عامل در این جنبش، حضور موثر زنان با عاملیت سیاسی بود که به اعضای فعال در تغییرات سیاسی و اجتماعی

خشونت سازمان یافته علیه زنان

برنامه ای برای اقدام مشترک تشکلهای مستقل زنان

کار مشترک سازمان رهائی زن و اکرو (سازمان حقوق زنان)

نقش دستگاه مذهب:

تحقیق و ترویج بر محور تحقیر و بردگی زن،

از بدو تولد تا مرگ، تجاوز آشکار و وقیحانه به حقوق انسانی زن

در تمامی شئون زندگی فردی و اجتماعی.

نقش حکومت مردسالار:

نهادینه کردن نابرابری جنسیتی، تصویب قوانین زن ستیز و

اعمال آن با توسل به ارگانهای سرکوب.

پاسخ به دو موضوع فوق از جانب فعالین حقوق زنان بمناسبت روز جهانی منع خشونت به زنان:

مینو همتی، شراره رضایی، دیانا نامی، ویدا ساغری، نوری شریفی و سحر صامت



بمناسبت روز جهانی منع خشونت به زنان

مینو همتی



<http://www.rahaizan.tv/2022/12/systematic-violence-against-women-by.html>

متأسفانه وقتی در مورد خشونت به زنان صحبت بمیان میآید، صرفاً ضرب و شتم زنان در خانه و یا قتل‌های ناموسی بتصویر کشیده میشود، خشونتی که توسط اعضای مذکر

تنها بی غیرت هستید، بلکه در آن دنیا باید جواب خدا هم بدهید.

بدینوسیله دستگاه مذهب خشونت به زنان را سازمان میدهد و در کشورهایی که اسلام سیاسی قدرت را دست دارد. با تصویب قوانین زن ستیز و با استفاده از ابزارهای سرکوبش چون بیدادگاههای اسلامی و زندان و شکنجه بنادوم این خشونت سازمان یافته میپردازد.

خوشبختانه شعله های انقلاب زن، زندگی، آزادی و برابری، دودمان این آموزه های قرون وسطائی مذهب و ساختار حکومتی آنرا بدرستی محاصره کرده است و تا بخاک سپاردن آن از پای نخواهد نشست.

شبح این رنسانس تاریخ ساز از فلات ایران به تمامی سرزمینهای اسلامزده، مذهب زده و مرد سالار در گشت و گذار است و نوید رهائی زن را در تمامی گیتی به ارمغان میآورد.

خانواده اعمال میشود و با سکوت یا حتی تائید دیگر اعضای خانواده نیز مواجهیم.

اعمال خشونت به زنان در خانه صرفاً معلول عملکرد سازمانیافته نهادهای زن ستیز هستند. نهاد مذهب، از حوزه های جلیه و عوامفریبی گرفته تا شبکه مساجد، مدارس مذهبی، حسینیه اشاردها و حتی تعلیمات دینی در مدارس و ارسال سپاه دین به روستاها در رژیم گذشته گرفته تا صدا و سیما و سازمانهای عریض و طویل تبلیغات اسلامی در استبداد فاشیسم مذهبی کنونی. همگی طبق فرامین مذهبی، فرودستی و بردگی زن از بدو تولد تا مرگ را تبلیغ و تحمیل میکنند. در ضمیر ناخودآگاه زن میکارند که تو نصف عقل داری، باید مطیع مرد خانواده پدری و برده جنسی خانه شوهرت باشی که در غیر اینصورت جایت ته جهنم است و تا ابد خواهید سوخت. پس در این دنیا بساز و بسوز. و به مرد مذهبی نیز القا میکند که اگر رفتار خواهر، همسر و اعضای مونث فامیل را طبق این فرامین مذهبی کنترل نکنید نه

بمناسبت روز جهانی منع خشونت به زنان

ویدا ساغری



گرفتن حق تحصیل، حق کار و آزادی های مدنی از زنان، خشونت سیستماتیک و از قبل برنامه ریزی شده علیه زنان در جامعه است. زنان ایران و افغانستان لایق و سزاوار بیش از این ها هستند. شما زنان ایران و افغانستان، زنان عصر تلسکوپ جیمزوب هستید. عصر تسخیر فضا و عصر حاکمیت بر کهکشان. شما لایق حقوق اولیه خودتان در عصر حاضر هستید. لذا نگذارید خشونت های سیستماتیک بر شما تحمیل شود. از حق خود دفاع کنید.

## بمناسبت روز جهانی منع خشونت به زنان

## شماره رضائی



مذهب در تمام جوامع نقش تسخیر کننده استثمار پرسیستم حاکم برجامعه رو ایفا می کند. در طول تاریخ طبقات استثمارگر همواره برای بهره و سوآوری خودشان بخش های مختلف جامعه رو مورد ظلم و ستم و فشارهای اقتصادی و اجتماعی قرار می دهند ولی ستم بر زن ستم مضاعف تری هست که بخاطر جنسیت شون اعمال می شود. اگرچه این اتفاق در کشورهای اروپایی هم از سوی سیستم حاکم بر زنان انجام می شود مثلا نابرابری حقوقی و دستمزدها، اما در کشورهایی با حاکمیت اسلامی از جمله افغانستان، ترکیه و ایران، مذهب توأم با ترویج و تبلیغ خرافه و از جمله تصویب قوانین زن ستیز، بعنوان ابزاری برای اسارت و بندگی و بهره کشیدن هرچه بیشتر زنان هست که دارای ابعاد اجتماعی و فردی ست و تمام زوایای زندگی زنان را تحت ستم طبقاتی قرار می دهد. زن در قوانین ارتجاعی اسلامی حتی نیمه مرد هم محسوب نمی شود. به برکت دستاوردهای امریکا و ناتو، در افغانستان تحت حاکمیت طالبان زنان نه تنها از رفتن به مدرسه محروم شده اند بلکه از رفتن به خیابان به خیابان و پارک حتی برای گرداندن بچه هاشون هم محروم هستند. مسلمانا وقتی طفلی با جنسیت مذکر به دنیا می آید قطعا مردسالار بدنیا نیامده بلکه این سیستم حاکم هست که برای به انقیاد کشیدن بیشتر زن و کل جامعه با ابزارهای تولید که در اختیار داره سیستم مردسالاری و عقب ماندگی و واپسگرایی را تولید می کند. مردانی که از نزدیکترین افراد زنان هستند مثل پدر، برادر، شوهر و مردان زندگی زن، با پمپاژ تفکرات و کلمات به غایت عقب مانده و مرتجع مثل غیرت و ناموس و کالایی شدن زن بعنوان ملک مرد از همان نزدیکترین مردان زندگی زن، هیولاهایی می سازند می تواند برای زندگی زنش، خواهرش، مادرش تصمیم بگیرد، از تحصیل محرومش کند، مانع کارکردن زن بشود و با مثل پاسبان های محل کنترلش کند و مراقب باشد که کجا می رود و کجا نمی رود

مرگ با کنترل جسم و جان زن و تصویب قوانین تنبیهی ادامه دارد. دختر بچه ها وقتی از هفت سالگی به مدرسه می روند باید موهایشان را ببوشانند تا به اعتقاد مذهبیون اون نوری که از موهای دختران ساطع می شود کسی را به انحراف و تحریک نکشانند. این نهایت بی شرمی و نگاه سکسیزم به جنس زن است. زن پاشنه ی آشیل حاکومت اسلامی و بی حقوقی و استثمار زن در تمامی ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و تمام ابعاد زندگی فردی زن در طول چهل و چهار سال حاکمیت ننگین اسلامی بر پرچم حکومت اسلامی نقش بسته است. با این وجود 25 نوامبر فرصتی هست برای مرور ستم طبقاتی که به زنان کل جهان و خصوصا کشورهایایی که اسلام سیاسی بر آن حاکم هست تا یادمان نرود که اینها کیفرخواست و دادنامه ی میلیون ها زنی هست که در این نقطه ی جغرافیا گرفتار توحش و قوانین اسلامی شده اند و خوشبختانه امروز زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب با عزمی راسخ کل حاکمیت را نشانه گرفتند تا به 44 سال تبعیض و آپارتاید جنسی و نابرابری و ستم پایان بدهند. تا دیروز ارادل و اوباش و گشت ارشاد، زنان رو برای پوششان روی آسفالت های داغ خیابان به طرز وحشیانه ای می کشیدند اما امروز از خیابان تا دانشگاه ها و مدارس شاهد آن هستیم که زنان پوشش و حجاب رو به شکل دوقاکتو لغو کردند و بدون روسری و مانتو به خیابان می آیند و حتی با پرت کردن عمامه های مالا یادآور می شوند که چقدر سخته که پوششی رو که نمی خوای بهت تحمیل کنند و هر روز در خیابان ها بهت تعرض بشود و تا همین امروز هم زنان و مردان آزادی خواه دستاوردها و پیشرفت های بزرگی را کسب کرده اند و ایران کنونی هرگز قابل مقایسه با ایران پنجاه و چندروز قبل از اعتراضات نیست و نخواهد بود.

به امید آزادی و برابری برای ایران

\* توضیح: این برنامه به مناسبت 25 نوامبر تهیه شده بنابراین آمارهای کشته شدگان کودک و روزهای انقلاب تا امروز متفاوت است و تغییر یافته است.

و با کی معاشرت دارد و مکالماتش را چک کند و تا آنجا پیش برود که به قول خودش (مرد) اگر غیرتش جریحه دار شود دست به قتل زن تحت لوای "ناموس" بزند و دقیقا امروز زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب، شانه به شانه و متحدانه به خیابان ها آمدند، فارغ از هرگونه گرایش ملی، مذهبی، ناسیونالیستی و قومی، تا این نوع سیستم و بختک را از زندگی شان جارو کنند و بیاندازند بیرون.

سقط جنین طبق قوانین زن ستیز اخیری که در آمریکا و ایران تصویب شده است جرم انگاری شده است و حتی برای کادر درمان و پزشکان بهای سنگینی دارد به بهانه ی اینکه یک موجود زنده را دارید از بین می برید. ولی همین حکومت برای تداوم حفظ نظام دیکتاتوری ش صدها نفر رو در خیزش انقلابی سراسر ایران و در زاهدان و خاش و دیگر جاهای ایران به گلوله می بندد و یا اعدام می کند. باید اشاره کنم که در همین اعتراضات اخیرا بیش از 50\* کودک توسط حکومت دیکتاتوری به قتل رسیدند و صدها دانش آموز دانشجو زیر شکنجه هستند و اصلا خبری از آنها نیست که چه بلایی سر آنها آورده اند.

مذهب ابزاری ست در دست جانیان برای سرکوب زنان و بالطبع سرکوب کل جامعه هست و این تاکتیک تمام نظام های سرمایه داری و دیکتاتوری هست که نیمه جامعه رو بر آنها مسلط بشوند و نیم دیگر خودشان به خودی خود به سکوت واداشته می شوند.

در کل ابعاد این تعرض و تجاوز به حقوق انسانی زنان اینقدر وسیع است که می شود ساعت ها درموردش حرف زد، از حق حضانت فرزند که حتی یک پدر معتاد به یک مادر سالم برای حضانت اولادش، الویت دارد تا نامنی در محیط کار و خیابان برای زنان که در ایران و همچنین در دیگر کشورهای اسلام زده، زن بودن جرم هست و ذاتا بعنوان تبهکار اجتماعی به زن نگاه می شود چرا که زن را منشاء فساد و گمراهی می دانند. در کشورهایی با قوانین ارتجاعی همینه دختر بدنیا می آید از خردسالی تا

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

به سازمان رهایی زن پیونید، مقالات، داستان و... برای ما ارسال کنید و نشریه ما را با دوستان خود به اشتراک گذارید

**بمناسبت روز جهانی منع خشونت به زنان**

**نوری شریفی**



**نوری شریفی:** در مورد اینکه مذهب بردگی و تحقیر زن را ترویج و تشویق می کند، اجازه می خواهم از اسلام بگویم به این خاطر که من با این مذهب با وجود تمام محدودیت ها و خشونت ها و تبعیض ها بزرگ شدم. وضعیت دختر در خانه پدری کاملاً مشخص است. مادر که خود قربانی این فرهنگ است تمام تلاشش را بکار میبرد که این دختر را آموزش دهد در جهت اینکه از پدر و برادر اطاعت و فرمانبری کند. همانطور که میدانیم نگاه اسلام به دختر یک نگاه جنسیتی است و به همین دلیل است که باید ها و نبایدها و الزام ها برای دختران بوجود می آید. هدف این است که آنها را تحت کنترل قرار دهند و در مقابل این سیستم تسلیم شان کنند. طبق قرآن زنان در زمره کودکان و دیوانگان آورده شده اند و گفته شده که آنان نیاز به قیم دارند چراکه به تنهایی قادر نیستند کارهای خود را انجام دهند. ببینید وقتی که نگاه به موضوع زن این هست بنابراین حقوق فردی هم برای آنها قائل نمی

شوند. مبنای حقوق فردی استقلال است که کاملاً با تبعیض مغایرت دارد و در این راستاست که ما می بینیم حقوق فردی و اجتماعی زنان زیر پا گذاشته می شود. زنان در طول تاریخ بر علیه تبعیض جنسیتی مبارزه کرده اند بطور مثال قره العین که در قرون وسطای اسلامی حجاب از سر بر میدارد و بهای سنگینی هم بابت آن می پردازد و کشته می شود. بعد از آن مبارزه زنان همچنان ادامه داشته و هربار به شکلی هرطور که توانسته اند مبارزه کردند، یکی با قلمش، یکی با زبانش و یکی با خلق یک اثر هنری. این مبارزات همچنان ادامه دارد مانند مبارزات اخیر زنان و دختران بر علیه سرکوبگران که به شدیدترین شکل ممکن هم با آن برخورد شده و میشود. این دقیقاً نشان دهنده ماهیت اسلام است که چون هیچ اعتراضی را بر نمی تابند آن را سرکوب می کند.

اینکه نابرابری جنسیتی در جامعه ایران نهادینه شده است به حکومت مردسالار و قوانین نابرابر بر میگردد. در جامعه ایران قوانین نانوشته ای وجود دارد مانند قوانین مدنی و قوانین کیفری که بطور قانونی حقوق زنان را زیر پا می گذارد و به رسمیت نمی شناسد، حق طلاق، حق حضانت، ارث، شرط تحصیل، محل سکونت، انتخاب همسر و یا حتی ازدواج، که همه اینها منوط به کسب اجازه از پدر، برادر و یا شوهر است. بر همین منوال هم مجازاتی که بر طبق قانون مجازات اسلامی برای زنان در نظر گرفته شده بمراتب سختگیرانه تر از مجازاتی است که در مورد مردان اعمال

کرده است. پدیده حذف زنان از جامعه که توسط قوانین اساسی نظام های مذهبی بر زنان اعمال می شود نه تنها باعث آسیب پذیری نصفی از قشر جامعه می شود بلکه آسیب های اقتصادی و فرهنگی زیادی را نیز به همراه دارد. طبیعتاً زمانی یک دختر با چنین سرخوردگی هایی وارد یک زندگی مشترک می شود، پاور مدبر بودن و اقتصاد دان بودن در درون او کشته شده است. آن دختر نمی تواند همسری دانا برای شوهر باشد و در پدیده کودک پروری نیز با هزاران چالش روبرو شده و مادری ناموفقی در آینده خواهد بود.

امروز ۲۵ ام نوامبر سال ۲۰۲۲ مصادف با روز جهانی مبارزه در مقابل خشونت علیه زنان است. من با نشر این ویدئو اعلام همبستگی با زنان مبارز در سراسر جهان می کنم. همچنان خواهان مبارزه علیه خشونت بر زنان در همه جوامع هستم. برای داشتن فردایی بهتر و جامعه ای سالم تر باید مادرانی سالم، عاقل و پویا داشته باشیم.

کاملاً مردسالار و زن ستیز به دنیا می آیند و نه تنها از سوی خانواده مورد خشونت های گوناگون قرار می گیرند بلکه قوانین چنین جوامعی بستر خشونت های اجتماعی را فراهم می کند. در نتیجه زن در چنین اجتماع هایی از زمانی که به دنیا می آید تا زمانی که می میرد جنس دوم و ضعیفه محسوب شده و پر پرواز زن توسط قوانین مذهبی که عامل تمام این مشکلات است، گرفته می شود. دختران و زنان در چنین جوامعی مصونیت حقوقی ندارند و هیچ مرجع دولتی به درستی مانند یک انسان مدافع حقوق دختران و زنان نیست. مانند اداره پلیس، مانند دادگاه و غیره. زن در جامعه موجودی سرکوب شده توسط قوانین زن ستیزی و مذهبی است که با چالش های فراوان روحی و روانی است و به مرور زمان توانایی خود را از یاد برده و در اغلب اوقات خانه نشینی را ترجیح می دهد. نمونه بارز اش حکومت نامشروعیست که امروز در افغانستان روی قدرت آمده و حق تحصیل را از دختران گرفته است. همین حکومت غیر انسانی زنان تحصیل کرده را از جامعه حذف

**بمناسبت روز جهانی منع خشونت به زنان**

**سحر صامت**



تاریخ گواه بر آن است که خشونت های سیستماتیک قرن ها عامل سرکوب شدن زنان در جامعه بوده و است. شدت و ضعف این خشونت ها به نظام حاکم در آن منطقه بستگی دارد. زنان سالیان سال بیشترین آسیب ها را از سمت و سوی نظام های مذهبی متقبل شده اند. در مذاهب زن همیشه جنس دوم یا همان قشر ضعیف می پندارد و قدرت های زنان را از جوامع به گونه های مختلف حذف می کند. دختران ما در یک جامعه

## بمناسبت روز جهانی منع خشونت به زنان

دینا نامی



با سلام و درود به شما بینندگان عزیز، من دینا نامی هستم بنیانگذار و مدیر سازمان حقوق زنان کرد در بریتانیا. صحبت‌های من به مناسبت روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان است و من این روز را به تمام زنان آزادی خواه و برابری طلب ایران تبریک عرض میکنم. این روزی است که با همبستگی هر چه بیشتر علیه نابرابری مبارزه خواهیم کرد. صحبت امروزم راجع به خشونت سازمان یافته علیه زنان است و دوست دارم فقط چند دقیقه ای راجع به دو موضوع که برایم خیلی مهم است صحبت کنم. خشونت سازمان یافته از طرف سازمانها و بنیادهایی است که با برنامه برای خشونت علیه زنان انجام میشود. در جامعه، دختر و

زندگی سالها در کمپهای پناهندگی نروژ  
فریبا رشیدی

فریبا رشیدی در مورد زندگی سالها در کمپهای پناهندگی نروژ توضیح داد. روز دوشنبه بیست و سوم فوریه در اخبار ساعت شش بعد از ظهر با موضوع وضعیت پناهندگی فریبا رشیدی چنین گفت:

دوازده سال بدون حق کار، مراقبت های بهداشتی، تحصیلی - هیچ آینده ای جز انتظار برای پذیرش نیست.

نماینده (حزب (اس وی) حزب چپ گرده وولد در دفاع از پیشنهاد مشترک حزب های

پسر از بدو تولد با مسائل مذهبی آشنا میشوند و قوانین مذهبی از همان لحظه تولد دختر تاثیر دارد. برای مرد هم از همان بدو تولد آموخته میشود که قدرت بالاتری دارد، با عقل و با شعورتر است و بر عکس آن هم برای زن است که به او آموزش میدهند انسانی کم هوش است و لیاقت برابری با مردان را ندارد. این اشتباهات باعث تبعیضاتی در جامعه میشوند و باعث میشوند که حقوق زن از همان ابتدا نقض شود تا جایی که در ایران به نوعی از آپارتاید جنسی رسیده است بعلاوه نابرابری های اجتماعی و اقتصادی که در جامعه است. چون جمهوری اسلامی یک حکومت مذهبی و مردسالار است تمام نابرابری های جنسی را نهادینه کرده است. قوانین آن هم بر اساس نابرابری جنسی و زن ستیز است و اعمال آنها با توسل به ارگانهای سرکوب، زن را به جنس دوم تبدیل کرده است. از جمله اینکه زن انسان برابر با مرد محسوب نمیشود، زن باید پوشیده باشد، موهایش را بپوشاند چون مرد تحریک میشود و این اهانت بزرگی است به انسانیت مرد که با موی زن تحریک میشود و بی ارادگی آن را نشان میدهد که مذهب اسلام آن را تشویق میکند. زن نمیتواند قاضی باشد، زن در ارث با مرد برابر نیست، زن حق طلاق ندارد، زن نمیتواند حق صیانت از بچه ها را داشته باشد و خیلی

ونستر، کی آر اف، ام دی جی، و ریگر احزاب نروژی و در مورد یک راه حل جدید برای پناهجویانی مانند کیس فریبا هست.

در این گفتگو آقای ارلند نماینده حزب راست که نسبت به مسائل پناهندگی خیلی سختگیرانه عمل می کند او چنین گفت:

پناهندگانی که مدت های زیاد در کمپ های پناهجویی می مانند تقصیر خودشان است و این افراد غیر قانونی هستند.

حرفهای او برای خیلی ها قابل قبول نیست ولی این نظریه ایشان هست.

گیری ولد در دفاع از من و پناهنده هایی که در وضعیت من هستند دفاع کرد و گفت این دسته از افراد که سالهای درازی در کشور نروژ بوده اند و بدون اجازه کار، تحصیل، خدمات درمانی، بسیار ناعادلانه است. او یادآوری کرد که کسانی که به هیچ عنوان نمیتوانند به کشورشان برگردند باید اقامت امنیتی بگیرند یعنی دولت باید از این دسته افراد بگذرد و اقامت بدهد. این پیشنهاد مشترک چندین حزب است.

مسائل دیگر که در جامعه اتفاق می افتد مثل قتل های ناموسی، ازدواج کودکان، ازدواج اجباری و خیلی از خشونت های دیگر علیه زنان که توسط دولت جمهوری اسلامی بر زنان اعمال میشود. ما خوشبختانه میتوانیم بگوئیم که در چند ماه اخیر که زنان در جامعه برخاسته اند و زنان و مردانی که شعار زن، زندگی، آزادی را میدهند خواستار براندازی این رژیم هستند. چون همه انسان ها شایسته یک زندگی آزاد و برابر هستند و این خیلی از نظر من مهم است. من فکر میکنم که این خواستهای اساسی زندگی است. به امید پیروزی این تظاهرات و این انقلاب و به امید دستیابی به تمام آزادی ها و برابری هایی که ما خواهان آن هستیم. ما خواهان آنیم که زندگی انسانها به دست خودشان تعیین شود. زنان و مردان بطور برابر در اداره کشور و شوراهای خودشان انتخاب میکنند که چطور زندگی کنند و چطور میخواهند کشور را اداره کنند و چطور میخواهند حقوق و مزایای برابر داشته باشند. همه اینها در شوراهای زنان و مردان و شوراهای محلی و کارگری به سرانجام می پیوندد و یک زندگی آزاد و برابر برای همه بوجود می آید.

امیدوارم که هر چه زودتر عملی شود.

دوباره از من سوال شد که اگر ردی آخر  
بگیری چکار میکنی؟

من نیز با استرس زیاد جواب دادم که نمی دانم چکار میکنم سوال سختی است، ولی میتوانم بگویم که آنوقت سازمان پناهندگی درست و به جا پرونده من را بررسی نکرده و متوجه خطرات نشده است، از آنجایی که من از یک کشور ضد زن و دیکتاتوری آمده ام که از زن بودن تنفر دارد. و من هم به عنوان یک زن فعال بسیار خطرناک است و دولت باید این را بداند به امید آنکه قانون های بهتری را ارائه دهند و به امید آینده بهتر.

فریبا رشیدی در استودیو پخش اخبار ساعت ۱۸ آن آر ک

اسلو

بحث پناهندگی



اشکهای مابسان رود روان است  
در به خاک سپردن زیارویان شجاع میهن  
مادر به سوگ کودکان  
کودک به سوگ مادر  
ما سوگواران مبارزیم!  
در چهره ثمان  
غم نمی بینی،  
آس و حرمان نمی بینی،  
قلهها پرود  
چشمها پر خون  
ما استوار  
تشت ما گره کرده!  
در همگامه خشم و

غرش فریاد  
کاخ اسپرستان را لرزاند ایم

و  
سیل اشکها و غریو فریاد  
بنیاد ستمگران اسلامی را  
عقرب است که از جا بکند.  
باشیمیم،  
ای خونخواران تاریخ!

و  
ای وارثان نرون!  
اینک زمانه انقلاب است،

و  
با چکان هر قطره ی خون جوانی  
که بر خاک می افتد  
مانجند و غرور،

گلگون بیشمار  
هزار از هزاران  
بر می خیزند...  
شما مارا احس و خاشاک و مگس نامیدید

و ما  
شمارا گفتار میدانیم  
ترومانی دریده  
وحشی تانی ستمگرکننده

که سارهای ساهتان  
خاک تمیهن را سوزاند و خاکستر کرد،  
آه ای دژتیم!  
مرا از کشته شدن مترسان  
من با خون خود دیامی موج انقلاب را خروشان کرده

ام  
مرا از مرگ نهرسان که من خود نشان مرگ شایم  
من از حکم میداگاهتان به زمین نخواهم افتاد  
چرا که بودم، صدایم، نامم، حکم دادستانی است  
از بی دادرسی ثمان!  
من خون کرد آفرید و ساوش در گانم  
من فرزند رزم و آزادیم،  
ایران آینده  
سرزمین رهایی است،

و  
گهونهای مام وطن  
ما تخطر تن شان  
آزادی  
و از بلند بالایی شان  
زندگی است که  
جان میکیرد...

بررسی چهار دهه خشونت سازمان یافته علیه زنان با یاسمین میظر



[https://youtu.be/3tXW7z\\_Kzi0](https://youtu.be/3tXW7z_Kzi0)

انجمن زنان ایرانی دالاس به مناسبت گرامیداشت ۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان برنامه ای با تم "چهار دهه خشونت دولتی بر زنان" در شهر دالاس برگزار کرد. سخنران این برنامه خانم یاسمین میظر از لندن توسط اپلیکیشن زوم ،

مشارکت داشتند و بهمین دلیل در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۰، در راه بازگشت از ملاقات همسرانشان در زندان، بدست عوامل رژیم کشته شدند. قتل خواهران میرابیل آنها را به سمبلی از مبارزات مردمی و فمینیستی تبدیل کرد و در سال ۱۹۹۹ مجمع عمومی سازمان ملل روز ۲۵ نوامبر را برای بزرگداشت آنان، بعنوان روز بین المللی مبارزه با خشونت علیه زنان اعلام کرد.

در تاریخ مبارزات زنان این روز به نام مبارزه پیگیر برای محو هرگونه خشونت علیه زنان تبدیل شده است و جنبش زنان ایران نیز نه تنها همیشه در صف اول صحنه مبارزه بوده بلکه به شکلی گسترده مسئله زنان و ستم جنسی را به یکی از مسائل اصلی جنبش ملی تبدیل کرده است.

ما در روزهای قیامی پرشکوه به سر می بریم که شعار اصلی اش زن، زندگی، آزادی از

سخنرانی خود را برای حاضرین در جلسه و همچنین از طریق دوستان از طریق مجازی ارائه دادند .

یاسمین میظر، پژوهشگر و فعال سیاسی ایرانی، سردبیر نشریه کریتیک و پژوهشگر ارشد دانشگاه آکسفورد است.

مقالات و مصاحبه های متعددی از وی در زمینه مسایل ایران و خاورمیانه، امپریالیسم و اقتصاد سیاسی ایران منتشر شده است.

عنوان سخنرانی خانم میظر " زنان و ستم چندگانه در نظام سرمایه داری"

خواهران میرابیل، با نام های پاتریا، مینروا و ماریا ترزا، اهل جمهوری دومینیکن و از مخالفان سرسخت دیکتاتور آن کشور، تروخیو بودند. آنها به همراه همسرانشان در فعالیت ها و مبارزات مخفیانه علیه رژیم

کردستان شروع شد و در سرتاسر ایران گسترش یافت.

زن زندگی آزادی یعنی همبستگی زنان و مردان تا رهایی. رهایی از زنجیر قوانینی که زنها را از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم می سازد. این جنبش از همان روزهای آغازین با فریاد زن، ژبان، آزادی نشان داد که ستم های مختلف بایکدیگر پیوند دارند و رهایی از آنها بدون همبستگی و همراهی با یکدیگر ممکن نیست.

دستگاه سرکوب زنان در چهل و چهار سال گذشته هر بار به شکلی به حرکت درآمده و جان و زندگی و سرنوشت زنان را به نابودی کشانده است. در طی این سالها و بویژه چند ماه اخیر حکومت جمهوری اسلامی خشن ترین و زن ستیزترین چهره میمکن را به جهانیان نشان داده است و اکنون دیگر این سرکوب سیستماتیک بر کسی پوشیده نیست و قتل مهسا امینی و سایر قربانیان این خیزش نمونه آشکاری از این سرکوب تمام عیار است که سالها زیر سایه این حاکمیت زن ستیز در جریان بوده است.

حجاب اجباری یکی از ابزار کنترل بر بدن زنان است و با کشته شدن مهسا این نخستین بار نبوده که حق انتخاب پوشش، که حقی مسلم و بدیهی ست، به مرگ زنی انجامیده است. زنی جوان که روزی معمولی را در این سرزمین سپری میکرد هاست.

خیزش زن، زندگی، آزادی راه رهایی جامعه را در رهایی زنان می داند و زنان ایران با اهرم قرار دادن مبارزات برای احقاق حقوق خود و پایان دادن به ستم جنسی، تا رهایی تمامیت ملت ایران از یوغ ستم و فساد و جنایت رژیم، از پای نخواهند نشست.

### انقلاب زنان ایران در سایه ... ادامه ص ۲

ایرانی را تشکیل می دهند که همواره از طرف حاکمیت مورد فشار بوده اند. آنان همواره به عنوان جنس دوم و ناموس مردان تلقی شده اند و حق مالکیت بر بدن و لباس خودشان را هم ندارند و باید طبق سلیقه ی حاکمیت و تحت لوای شرع اسلام بدنشان را بیوشانند در غیر اینصورت محکوم به سرنوشتی همچون "مهسا" می شوند.

جوانان معترض در خیابان های ایران که به نسل "Z" شهرت دارند ثمره تربیت مادرانی هستند که سالهاست تحت ظلم و بیداد حکومت استبداد اسلامی بوده اند. نسل سرکوب شده ی دیروز توانست نسل مطالبه گر با تفکر نقادانه امروز را پرورش دهد تا در برابر این حکومت فاسد و جنایتکار بایستد. این جوانان آگاه و آزادی خواه هستند که با دستانی خالی و عاری از هر گونه خشونت با خیابان ها آمده اند و میخواهند حق زندگی شان را با نثار جان های عزیزشان از حاکمیت پس بگیرند. همان زندگی نرمالی که تحت لوای حکومت جنایتکار و مستبد اسلامی از مردم ایران سالهاست سلب شده است. ایران کشوری با ذخایر بسیار غنی از نفت و گاز، معادن طلا و سنگ های قیمتی است که مردم آن حتی از معیشت حداقلی هم برخوردار نیستند.

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نه "آزادی پوشش" وجود دارد نه "آزادی بیان" و نه "هیچ آزادی" دیگری. جنبش انقلابی که در ایران آغاز شده است در حقیقت انقلاب "نسلی" است که سالها پس از انقلاب 1357 به دنیا آمده اند و از طریق آشنایی با اینترنت و دنیای مجازی با جهان پیرامون شان به خوبی ارتباط برقرار کرده اند. آنان می دانند حقی که از آنها دریغ شده است یعنی حق یک زندگی نرمال به آنها بر نخواهد گشت مگر با گذار از جمهوری اسلامی. از آغاز انقلاب 1401 تا کنون نزدیک به ششصد کشته، بیست هزار بازداشتی زندانی و صدها جوان معترضی که به دلیل شلیک ساچمه به چشمان شان از ناحیه ی یک یا هر دو چشم مورد آسیب جدی قرار گرفته اند. آسیبی که گاهی منجر به تخلیه ی چشمانشان شده است همچنان در جریان است و شوربختانه چهارتن از معترضان هم به اتهام "محاربه" یعنی "جنگ با خدا" اعدام شدند.

مسلم است که هیچ کدام از این سرکوب های خشونت آمیز، حضور زنان را در جنبش "زن، زندگی، آزادی" کمرنگ نخواهد کرد بلکه به آنها این قدرت را میدهد تا برای بقاء قدرت خود در صحنه سیاسی روش های جدیدی را خلق کنند. جنبش "زن، زندگی، آزادی" و حضور "زنان" علی رغم همه ممانعت ها و خشونت ها راهش را برای ورود به یک جامعه سکولار و بدون حضور جمهوری اسلامی در آینده ی مبارزاتی خود ادامه خواهد داد. دستاوردی که در طول پنج ماه گذشته تا حد زیادی به آن رسیده است. #زن\_زندگی\_آزادی #ژینا\_امینی



### گزارشی از تجمع اعتراضی در حمایت از اعتراضات مردم ایران در بلژیک

#### گزارش از: امیرحسین باریکرو

روز 8 ژانویه روزی بود که سپاه با سلیک دو موشک به هوایم ای اکرایی که باعث از بین رفتن کلی خانواده شد و اسمش را گذاشتن خطای انسانی!! به مناسبت همین روز و اتفاقات اخیر در ایران بر علیه رژیم منحوس جمهوری اسلامی که در بین مردم و دنیا منفور شده و چهره واقعی شو به واسطه مردم شجاع داخل ایران و هوطنان خارج از کشور در تمام دنیا به نمایش درآمد به همین مناسبت در شهر گنت در بلژیک تجمعی برگزار شد از طرف کلکتیو زن زندگی آزادی بعد سخنرانی و شعار دادن راهپیمایی تدابیر شده بود در سطح شهر.

برای رهایی زن



سکوت  
شعر از: نوری شریفی

و  
به تماشا نشستن گلهای پر پر شده میهن،

سکوت یعنی خواب،

برپا ماندن ظلم،

صدای سکوت

غفلت،

جنس سکوت از جنس مبارزه نیست

پژواک صدای نخرانیده سنگر است

حسرت،

مصاحبه است و

در تاریکی میهن غمزه ام ایران،

پشیمانی،

ماشیات!

بشکن سکوت را بموطن!

ورنج!

بشکن سکوت را بموطن!

سکوت

سکوت

سربردن آزادی است

که هر صدایت،

مرک آرزو هست

در پای معامله

فریادی است به جان سنگاران

مرک آینه

به بهای خون!

و به خاک سیاه خواهد نشاند

مرک فرزندانان،

ز پرستان زورگوی تزویرگر اسلامی را

سکوت

بشکن سکوت را

و  
برپا داشتن چوبه های دار است

سکوت شادی اهریمن است

و  
فریاد شو...

### آیا زنان بلوچ به جنبش زنانه نیاز دارند؟

زن بلوچ و فرهنگ مردسالار، همیشه دو مسئله جدایی ناپذیر بوده اند، ناامیدی، تحقیر، نامرئی بودن، جدی گرفته نشدن، تهمت خوردن، به اسم ناموس حذف شدن، دودیدن و دودیدن و دودیدن برای گرفتن آن چیزی که حقمان است، برای ما بسیار آشناست، ما، زنان امروزی بلوچ، سعی در بازسازی تصویر زن نیمه روشن در سایه سنت-مذهب-مرد قرار گرفته داریم، ما به آزادی بیان می پردازیم، بزرگترین انقلاب را در ذهن مان داریم، در بدن های مان، آن را به خانه می آوریم، به خانواده و در نهایت جامعه، ما از حاشیه به متن می آییم تا بتوانیم همچون مردان از زندگی و شادی سهم برابر داشته باشیم.

مسئله تبعیض و رهایی زن بلوچ، به شکلی که در رسانه های داخل و خارج ایران، هر چند اندک، گزارش می شود، به عنوان یک حقیقت تلقی شده است، ما از رسانه ها، به عنوان یکی از ابزارهای قدرت، انتظار داریم که در نشان دادن نگرش ها، تعهدات حساس به جنسیت، نیازها و اولویت های زنان اثنیک به حاشیه کشانده شده، تبعیض قائل نشود، جنبه مهمی از خشونت، که ما، زنان بلوچ را آزار می دهد، بازنمایی کلیشه های غالب می باشد.

در واقعیت اجتماعی جامعه امروزی بلوچستان، زنان می توانند خود را به فعلیت برسانند، زن بلوچ باید به عنوان زن آزاد، بدون توجه به نقش همسر، مادر، خواهر، مشارکت فعال در حوزه اجتماعی و خودمختار داشته باشد.

تحلیل گفتمان انتقادی، زبان را در خدمت عدم تعادل قدرت در جامعه می داند. زبان، نه تنها برحسب ویژگی های ذاتا مردانه، به عنوان یک عامل مهم برای به حاشیه راندن افراد و گروه های خاص استفاده می شود.

به گفته نوال سعداوی، فمینیست عرب، ظلم به زنان، مربوط به شرق یا غرب، اسلام یا سایر ادیان نیست، بلکه ناشی از یک نظام مردسالارانه کلاسیک و در عین حال رایج در جامعه بشری است.

در بلوچستان، هنجارها، ارزش های مردسالارانه، همچنان در خانه، مدارس، مساجد، مکتب های دینی، و محل های کار بیداد می کند، زنان هنوز تحت بردگی سیستم مردسالاری و ستم و خیانت و ازگان هستند، نه به خاطر عضویت از جامعه اسلامی-بلوچی، بلکه به دلیل نظام طبقاتی مردسالار که هزاران سال بر جهان تسلط داشته است.

ایجاد جنبش زنان بلوچ، که به زبان بلوچی "بلوچ زالبولانی زرمیش" می باشد، به این معنی است که زنان برای دموکراسی، پیشرفت و سوسیالیسم، می توانند هر زن را به سطحی از دانش برسانند که یک جنبش توده ای واقعی شکل بگیرد. تنها، ما، زنان می توانیم با مبارزات خود، یک زن بلوچ بیافرینیم که هم، اصل زندگی کند، هم، در سنت های فرهنگی جامعه حضور به هم برساند و در عین حال پیشرفت و تفکر مدرن را نیز داشته باشد! /

منبع: اینستگرام جوانان انقلابی محلات مریوان

زنان افغانستان زندگی می‌خواهند، مقام‌های غربی زنده ماندن



حالت کنونی حالت بن‌بست است. بن‌بستی که رهبر طالبان ملا هبت‌الله بدون توجه به پیامد آن دیوارهایش را با گذشت هر روز ضخیم‌تر می‌کند. اما راه حلی نیز برای آن وجود دارد. راه حل این است که جامعه جهانی با یک صدایی و قدرت، تحریم‌های هدمندی را علیه طالبان وضع کند؛ تحریم‌هایی که کمکرسانی به مردم عادی را متضرر نکند، اما فشار بر طالبان را افزایش دهد.

هنوز شماری از سفارتخانه‌ها در افغانستان باز هستند و در برخی از سفارت‌های افغانستان از جمله چین، جاپان، روسیه، پاکستان، ترکمنستان و شماری دیگر از کشورها افراد طالبان حضور دارند، اگر جامعه جهانی به ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد به توافق برسند باید هر نوع تعامل و دیپلماسی را با طالبان تا برآورده شدن شرایط ببندند. ممنوعیت سفر مقام‌های طالبان را بر تمامی اعضای کابینه و مقام‌های بلندپایه طالبان با جدیت اعمال کنند. آن‌گونه که شماری از زنان افغانستان از آدرس «زنان رهبر» اعلام کردند، دفتر طالبان در قطر نیز بسته شود.

خواست زنان افغانستان خواست زیادی نیست. آن‌ها حقوق انسانی‌شان را می‌خواهند. چیزی که برای زندگی کردن نیاز است. اما آن‌گونه که از مصاحبه‌ی اخیر امینه محمد، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد با کرسنتین امان پور در سی.ان.ان معلوم می‌شود، مقام‌های سازمان ملل متحد به زنده ماندن فکر می‌کنند. این مسأله‌ای است که زنان افغانستان نگرانند. به همین خاطر، زنان افغانستان همواره به جهان هشدار می‌دهند که عقب‌نشینی و کوتاه آمدن در برابر طالبان و تنزیل خواست و انتظار زنان افغانستان در حد «زنده ماندن» راه حل نیست؛ بلکه مشکل‌ها را چند برابر خواهد کرد. راه حل مواجهه با گروه تروریستی طالبان ایستادگی در کنار زنان و تمرکز روی اساسی‌ترین خواست آن‌ها جهت حمایت و بازگرداندن حقوق اساسی و انسانی‌شان است.

اخلاقی به جامعه جهانی اجازه نمی‌دهد که کمک‌های بشردوستانه به افغانستان را قطع کنند. طالبان نیز با فهم دقیق این مسأله در واقع بخش ارابه خدمات را به عهده‌ی سازمان‌های امدادگران گذاشته است و خود مصروف شکنجه و اعمال حاکمیت از طریق وحشت و ترور و اختطاف هستند.

ادامه کمک‌های بشردوستانه و ارتباط کجدار و مریز کنونی با طالبان از سوی جامعه جهانی نیز به معنای عقب‌نشینی و تسلیم شدن جهان آزاد به یک گروه تروریستی است. گره کار دقیق همین‌جا است که طالبان به عنوان یک گروه تروریستی بیش از سی میلیون انسان را گروگان گرفته و بر سر حقوق اساسی شهروندان با جهان چانه‌زنی و لجاجت می‌کند.

در این میان قربانی اصلی مردم افغانستان و به خصوص زنان هستند. دقیق به همین دلیل است که زنان همچنان معترض اند و با توجه به سفرهای اخیر مقام‌های غربی و سازمان ملل متحد متوجه خطر احتمالی تعامل جهان با طالبان بر سر حقوق اساسی زنان افغانستان شده‌اند و به همین دلیل صدای اعتراض‌شان همچنان بالا است.

زنان افغانستان همه حقوق‌شان را می‌خواهند. چون حقوق اساسی قابل اولویت‌بندی نیست. نمی‌شود که انسانی حق تحصیل داشته باشد اما حق سفر نداشته باشد، حق تفریح داشته باشد اما حق کار نداشته باشد، این در حالی است که جامعه جهانی در جست‌وجوی راهی است که طالبان را قانع به بازگرداندن بخشی از حقوق زنان کند. این موضوعی است که زنان افغانستان آن را متوجه شده و به آن اعتراض دارند. آن‌ها اعتراض خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی، اعتراض در محیط‌های سربسته و در یک مورد با صدور اعلامیه‌ای در پایان نشست کلان دو هزار نفری در استانبول ترکیه به وضوح بیان کردند که جامعه جهانی حق ندارد حقوق اساسی زنان افغانستان را اولویت‌بندی کند.

کابل در روزهای گذشته شاهد سفرهای متعدد مقام‌های غربی و مقام‌های بلندپایه سازمان ملل متحد بود. از امینه محمد، معاون دبیرکل سازمان ملل متحد گرفته تا شمار دیگر از مقام‌های غربی باربار با سران طالبان در کابل و قندهار دیدار کردند. خواست همگی این مقام‌ها مشخص و واضح بود. آن‌ها از طالبان خواستند فرمان‌هایشان در مورد زنان به خصوص کار در نهادهای بین‌المللی و ممنوعیت آموزش زنان را لغو کنند. اما پاسخ طالبان در عمل منفی بوده است. روشن است که همگی این مقام‌ها با ناامیدی و دلسردی از کابل بازگشتند.

در یک کلام چنین تلاش‌هایی را می‌توان تلاش‌های ناکام و مذبحخانه نام گذاشت. زیرا هرکه طالبان و تفکر طالبانی را بشناسد می‌داند که طالبان اهل گفت‌وگو و مذاکره نیست؛ آن‌هم بر سر چیزی که برای خود اصول شرعی تعریف کرده‌اند. اما مقام‌های غربی تازه دارند به این درک می‌رسند. زیرا دروغ بزرگ زلمی خلیل‌زاد مبنی بر این‌که «طالبان تغییر کرده‌اند» در زمان مذاکرات دوحه کورسویی از امیدواری را در میان سیاستمداران غرب خلق کرده بود. هم‌چنین مقام‌های غربی با اتکا بر همین دروغ خلیل‌زاد به طالبان میانرو و طالبان خوب در برابر طالبان بد، می‌اندیشیدند. به همین خاطر، مقام‌های غربی امیدوار بودند که شاید بتوانند اگر نه همگی حقوق بشری، شاید بخشی از حقوق اساسی زنان افغانستان را احیا کرده و زمینه را برای تعامل با طالبان باز نگهدارند.

هرچه زمان بیشتر می‌گذرد، فاجعه‌ی توافق‌نامه دوحه و سقوط افغانستان به دست گروه تروریستی طالبان بیشتر روشن می‌شود. واقعیت کنونی و انکارناپذیر افغانستان جامعه بین‌المللی را در وضعیت بسیار دشواری قرار داده است. فقر شدید و رو به افزایش از لحاظ

**مبارزه برای تحقق رویاها؛ طالبان نمی‌تواند مانع علاقه‌ی تحصیل زنان افغانستان شود**

### حق تحصیل زنان

پس از فرمان طالبان در دسامبر ۲۰۲۲ مبنی بر ممنوعیت حضور زنان در دانشگاه‌ها، مردم افغانستان نشان داده‌اند که در برابر این بی‌عدالتی کوتاه نمی‌آیند. دانشجویان متشکل از دختران شجاع افغانستان با برگزاری کمپین در برابر تصمیم اخیر طالبان مقاومت کردند؛ اما با خشونت، دستگیری یا بدتر از آن از سوی این گروه مواجه شدند. در این کمپین مردان حامی تحصیل زنان از جمله استادان دانشگاه‌ها با لغو امتحانات، همبستگی خود را با زنان افغانستان نشان داده‌اند.

طالبان تلاش می‌کند تا حقوق دختران و زنان افغانستان را زیر پا کند؛ اما بعید به نظر می‌رسد که این گروه به هدف نهایی خود دست یابد. دختران و زنان افغانستان در سال‌های قبل از به قدرت رسیدن طالبان تا سال ۲۰۲۱ از حق تحصیل برخوردار بودند و اکنون تهدید یا مجازات زندان [آن‌ها را] متوقف نمی‌تواند. آن‌ها آزادی را تجربه کرده و هیچ جایگزین را هم نمی‌پذیرند.

پیش از این سازمان‌های غیر دولتی یا موسساتی که کمک‌های مواد غذایی و بهداشتی را برای مردم توزیع می‌کنند، به طالبان هشدار داده بودند که در صورت کارمندان زن این سازمان‌ها شامل تعزیرات تازه این گروه باشند، جز خروج از افغانستان چاره‌ای دیگر نخواهند داشت؛ پیامی که با سفر آمنه محمد، معاون دبیر کل سازمان ملل متحد [به کابل] تقویت شد.

اما راه دیگر برای ایجاد تغییر در رژیم طالبان، زیر فشار قرار دادن این گروه و تطبیق باقوه قوانین بین‌المللی است. رفتار وحشیانه و غیرانسانی طالبان با زنان و دختران افغانستان مستلزم تحقیق از سوی یک دادگاه بین‌المللی است. این رژیم به وضوح کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به حقوق زنان و کودکان که افغانستان نیز عضو آن می‌باشد را نقض می‌کند.

هیچ کشور دیگر در جهان، زنان و دختران را از تحصیل منع نمی‌کند و هیچ کشور دیگری چنین قوانین سخت‌گیرانه و بی‌رحمانه برای آزار و اذیت جنسیتی تحت رهبری دولت ندارد.

من به‌عنوان نماینده ویژه‌ی سازمان ملل متحد برای آموزش جهانی با تعداد زیادی از دانش‌آموزان افغانستان صحبت کرده‌ام و کلمات نمی‌توانند ناامیدی آن‌ها را نشان دهند.



سپس، در اکتبر ۲۰۲۲، طالبان محدودیت‌های بیشتر را در مورد رشته‌های تحصیلی که زنان مجاز به تحصیل بودند، وضع کردند. [تحصیل دختران در رشته‌های] زراعت و مالداري، مهندسي، اقتصاد، روزنامه‌نگاري و کشاورزي ممنوع شد.

اما این تصمیم نشان می‌دهد که مقام‌های [گروه] طالبان در پشت محدودیت‌های تازه که علیه زنان وضع کرده، اختلاف نظر دارند. به‌عنوان مثال، سه ماه پیش هزاران دختر و زن اجازه‌ی شرکت در امتحانات ورودی دانشگاه را داشتند، اما با اتخاذ تصمیم تازه به ممنوعیت ثبت نام آن‌ها منجر شد. این احتمال نشان‌دهنده‌ی تنش بین رهبری مذهبی و وزارت آموزش است؛ وزارت که ترجیح می‌دهد دختران را در صنف درس ببیند تا در خانه.

فقرترین و آسیب‌پذیرترین کودکان جهان می‌دانند که اکنون سنگین‌ترین بار در مبارزه جهانی علیه یکی از بزرگترین بی‌عدالتی‌ها - که نقض حقوق دختران و زنان می‌باشد - را بر دوش می‌کشند.

دختران افغانستان از دسترسی به مکاتب محروم، از حضور در مکان‌های عمومی و از سفر بدون همراه مرد (محرم) منع شده و مجبور شده‌اند که برقع بپوشند تا سرپای آن‌ها را بپوشاند.

مدتی است که دانشگاه‌ها به محل سرکوب تبدیل شده‌اند. پس از تسلط طالبان در سال ۲۰۲۱، دانشگاه‌ها صنف‌های درسی و ورودی‌های تفکیک جنسیتی ایجاد کرده و اعلام نموده‌اند که دانشجویان دختر فقط می‌توانند از سوی استادان زن یا مردان مسن تدریس شوند.



## گذار از رویکرد تعاملی

از زمان تسلط گروه طالبان بر افغانستان، مسأله‌ی اصلی زنان معترض، دفاع از حقوق اساسی زنان بوده است؛ حقوقی مانند حق آموزش، حق کار و حق مشارکت سیاسی.

اما گروه طالبان اکنون زنان افغانستان را از همه‌ی این حقوق محروم کرده و ممنوعیت‌های گسترده بر حقوق اساسی و آزادی‌های مدنی زنان وضع کرده است.

هدا خموش، از جمله زنانی است که در آغازین روزهای تسلط گروه طالبان به خیابان آمد و با شعار «نان، کار، آزادی» علیه این گروه اعتراض کرد. /-

مشاغل و جایگاه مختلف اجتماعی بوده‌اند که اکنون توسط گروه تروریستی طالبان خانه‌نشین شده‌اند؛ معلم، فعال مدنی، کارمند سازمان‌های بین‌المللی و روزنامه‌نگار.

این زنان در ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی و با استفاده از کمپاین از خانه تا خیابان منتشر کرده‌اند، در مورد فعالیت، جایگاه اجتماعی و وضعیت زندگی خود صحبت می‌کنند.

شماری از مردان نیز با ضبط ویدیوهای اعتراضی، به این کمپاین پیوسته، نسبت به محدودیت‌های گروه طالبان علیه زنان اعتراض کرده و همبستگی خود را با زنان معترض افغانستان نشان داده‌اند.

در این گزارش تفاوت‌های کمپاین از خانه تا خیابان با کمپاین‌های اعتراضی پیش از آن و تغییراتی که در رویکرد اعتراضی زنان افغانستان به وجود آمده، بررسی شده است

## زنانی که خواستار سرنگونی طالبان هستند

زنان افغانستان مدتی است کمپاین جدیدی را علیه گروه تروریستی طالبان راه‌اندازی کرده‌اند: «از خانه تا خیابان، برای سرنگونی طالبان.»

این کمپاین پس از منع شدن کار زنان در سازمان‌های داخلی و بین‌المللی و تحصیل زنان در دانشگاه‌ها و تمام مراکز آموزشی دولتی و خصوصی راه‌اندازی شد و هنوز ادامه دارد.

زنان افغانستان تاکنون به صورت گسترده به این کمپاین پیوسته‌اند و با ضبط ویدیوهای اعتراضی در فضاهای سربسته، به آپارتاید جنسیتی گروه طالبان علیه زنان، اعتراض کرده‌اند.

زنانی که به این کمپاین پیوسته‌اند، دارای



جنبش آزادی بخش زنان افغانستان

طالبان هر لحظه ما را می کشند، گاه با شلیک گلوله ها  
و گاه با اعلام محدودیت ها.  
#مرک بر طالبان ترورست.

هزار قفل جهالت بزنی بر در ام، همه را بشکنم و آزاد سازم نفسم!



جنبش آزادی بخش زنان، طالبان را ناقضان حقوق زنان می دانند.

در خطر اعدام صدایشان باشیم



جواد روحی

عرشیا تکدستان

مهدی محمدی فرد

گزارش عفو بین الملل از شکنجه های جنسی و بی رحمانه، سه معترض محکوم به اعدام

عفو بین الملل در آخرین گزارش خود که ساعاتی پیش منتشر کرد، پرده از شکنجه های جنسی و جسمی بی رحمانه سه معترض محکوم به اعدام به نام های جواد روحی، عرشیا تکدستان و مهدی محمدی فرد پرده برداشت. در این گزارش آمده است: «سه معترض جوان شکنجه شده با نام های عرشیا تکدستان ۱۸ ساله، مهدی محمدی فرد ۱۹ ساله و جواد روحی ۳۱ ساله، در معرض خطر اعدام قرار دارند. احکام آن ها مرتبط با اعتراضات صورت گرفته در نوشهر استان مازندران در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ است. آن ها در آذر ماه ۱۴۰۱ از بابت اتهامات «محرابه» و «افساد فی الارض» به دو بار اعدام محکوم شدند. جواد روحی یک حکم سوم اعدام هم از بابت اتهام «ارتداد» دریافت کرده است که بر اساس «اعترافات» حاصل از شکنجه مبنی بر سوزاندن قرآن صادر شده است. «در ادامه این گزارش آمده است: «جوانان نام برده جهت «اعتراف گیری» (مورد ناپدیدسازی قهری و انواع شکنجه و سایر رفتارهای بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیر آمیز قرار گرفته اند از جمله حبس طولانی مدت در سلول های انفرادی، آویزان شدن، ضرب و شتم، شلاق، شوک الکتریکی، تهدید به مرگ با گذاشتن اسلحه به روی پیشانی و تجاوز یا سایر خشونت های جنسی از جمله گذاشتن یخ روی بیضه ها.» عفو بین الملل درباره شکنجه جواد روحی نوشت: «در نتیجه این شکنجه ها، جواد روحی دچار پارگی کتف، عدم کنترل ادرار، عوارض گوارشی و اختلالات حرکتی و گفتاری و عرشیا تکدستان دچار شکستگی انگشت پا و مشکلات حافظه شد. بر اساس اطلاعات عفو بین الملل، بینی مهدی محمدی فرد به دلیل ضرب و شتم در زمان دستگیری شسکت و او به دلیل تجاوز دچار جراحات مقعدی و خونریزی مقعدی شد. #حکومت\_شکنجه\_اعدام\_مرگت\_فرا\_رسیده



۲۲ سال زندان برای زوج بلاگری که در میدان آزادی رقصیدند

شش سال زندان گرفتیم تو دادگاه بدوی. می ارزید.

به احساس تعلق به یه جمع بزرگ قدرتمند که در تلاشه سرنوشتش رو دست خودش بگیره می ارزه. کامیار یک سال به حکمای قبلیش اضافه شد و خب دوباره به قول بچه های افغانستانی جگر خون شدم. ضمنا هنوزم جوونم و عاشق و عین بچگیام میخندم. جور دیگه ای نمیتونم باشم. و هنوزم فکر میکنم گر امیداشت زندگی عنصر ضروری مقاومت است. #سروناز\_احمدی #کامیار\_فکور @sarvahmadi

#نازیلا معروفیان بدلیل مصاحبه با پدر مهسا امینی به ۲ سال حبس محکوم شد

نازیلا معروفیان، خبرنگار زن جوانی که در پی جان باختن مهسا امینی در بازداشت گشت ارشاد با پدر او مصاحبه کرده بود، از سوی دادگاه انقلاب به «دو سال حبس، ۱۵ میلیون تومان جریمه و پنج سال ممنوع الخروجی از کشور» محکوم شده است.

#آستیاژ حقیقی و #امیرمحمد احمدی به جرم رقصیدن در میدان آزادی به ۲۲ سال زندان محکوم شدند.

آستیاژ حقیقی و امیرمحمد احمدی، زوج بلاگری که پس از انتشار ویدئوی رقص در میدان #آزادی با خشونت بازداشت شده بودند هرکدام به ۱۰ سال و نیم زندان محکوم شدند. خانواده این دو از زمان بازداشت آنها در ۱۰ آبان تحت فشار امنیتی و ادار به سکوت شده بودند. در نهایت قاضی صلواتی علاوه بر صدور ۲۲ سال حکم زندان هریک را به ۲ سال ممنوعیت استفاده از شبکه های اجتماعی و ۲ سال ممنوعیت خروج از کشور محکوم کرد. آستیاژ و امیرمحمد از حق داشتن وکیل هم محروم بوده اند.

مطالب، نشریه ها و مصاحبه های تلویزیونی سازمان رهایی زن را می توانید از طریق آدرس

های زیر دنبال کنید و با ما همراه باشید

سایت نشریه رهایی زن

<https://rahaizanorg.blogspot.com>

آرشیو مقالات

<http://rahai-zan.blogspot.com>

برنامه ها، تلویزیون و مصاحبه ها

<https://www.rahaizan.tv>

تلگرام رهایی زن

@rahaizan

تلویزیون رهایی زن از "کانال یک" روی ماهواره "هات برد" هر هفته دوشنبه ساعت

20:30 و چهارشنبه ساعت 15:00 بازپخش برنامه به وقت تهران می توانید پهنده

تلویزیون رهایی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd

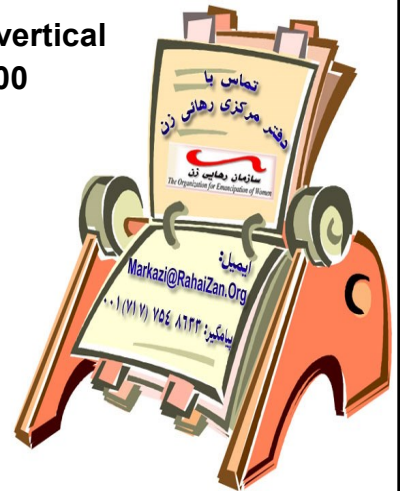
HoT BIRD

Frequency 11541 vertical

Symbol Rate: 22000

Pol V

FEC 5.6



## برای همکاری و تماس با نمایندگان سازمان رهایی زن در کشورهای مختلف

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: [minohemati@gmail.com](mailto:minohemati@gmail.com)

آلمان: شراره رضانی

تلفن تماس: 00491737237038

ایمیل: [shararehzaei.p@gmail.com](mailto:shararehzaei.p@gmail.com)

سوئد-استکهلم: رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

گوتنبرگ سارا مرادی

تلفن تماس: 0046704499853

ایمیل: [sara\\_tina2003@yahoo.com](mailto:sara_tina2003@yahoo.com)